

مقدمه

بی‌حوصلگی^۱ یک پدیده‌ی روانی است که عوارض متعددی به دنبال دارد. افت در عملکردهای حرفه‌ای و تحصیلی، افزایش احتمال بروز اختلالات روانی نظیر اضطراب و افسردگی، ناامیدی، احساس تنهایی و بی‌هدفی در زندگی و از همه مهم‌تر افزایش خطر مصرف مواد مخدر از جمله پیامدهای منفی پدیده‌ی بی‌حوصلگی هستند (۴-۱). این پدیده که عمدتاً با فقدان توجه و تمرکز مشخص می‌شود (۵) در سال‌های اخیر به خصوص در حیطه‌ی کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است. هرچند به طور غیر رسمی (عامیانه) هرکسی می‌تواند بگوید بی‌حوصلگی یعنی چه، اما به طور کلی بی‌حوصلگی به عنوان یک حالت تنفر یا ناسازگاری با هر نوع تجربه‌ی تکراری مثل کار روزانه یا برخورد با افراد کسل‌کننده و ملال‌آور و بی‌قراری زیاد در شرایطی که رهایی از ثبات (یکنواختی)^۲ امکان‌پذیر نیست، تعریف می‌شود (۶). بی‌حوصلگی که در طیفی از متوسط تا شدید قرار می‌گیرد، به عنوان یک احساس ملالت^۳، بی‌معنایی^۴، پوچی^۵، کسالت^۶ و فقدان تمایل به ارتباط با محیط فعلی توصیف می‌شود. رفتارهایی که اغلب با حالت بی‌حوصلگی همراه است شامل خمیازه کشیدن، نشانه‌های بی‌توجهی و بی‌قراری است (۷). آمادگی برای بی‌حوصلگی^۷ یک خصیصه یا زمینه برای بی‌حوصله شدن، گرایش به تجربه‌ی بی‌حوصلگی در خیلی از موقعیت‌ها و نداشتن رغبت کافی در زندگی است. رفتارهای وابسته به بی‌حوصلگی خصیصه‌ای شامل غیبت کردن، مشکلات ایمنی با کار، کناره‌گیری و تمرد و سرکشی در محل کار است (۷).

بعضی محققان، بی‌حوصلگی را به عنوان حالتی از برانگیختگی نسبتاً پایین و احساس نارضایتی که به یک موقعیت تحریکی نامناسب نسبت داده می‌شود، تعریف می‌کنند (۵). تادمن^۸ در

تعریف بی‌حوصلگی بیان می‌دارد که یک حالت نارضایتی است که به محیطی که به طور نامناسبی چالش برانگیز و بی‌جذبه است، نسبت داده می‌شود و معمولاً با یک محدودیت توجه^۹ همراه است (۸،۱).

در تبیین علل بی‌حوصلگی تفاوت‌های آشکاری در پیشینه‌ی مطالعات وجود دارد. برخی مولفان علت بی‌حوصلگی را گاهی ناشی از مدرسه و بعضی اوقات مربوط به دانش‌آموزان می‌دانند (۹). برای برخی از محققان نیز فراوانی گزارش‌های دانش‌آموزان از بی‌حوصلگی خود، بازتاب شکست آموزش و پرورش در فراهم آوردن تجربه‌های مهم و به خودی خود برانگیزاننده در مدرسه است (۹). با وجود این، دیگر محققان بی‌حوصلگی را به حالاتی مانند از خود بیگانگی (۱۰)، انگیزه‌ی تحصیلی پایین (۶) یا مقاومت^{۱۱} (۱۱) نسبت می‌دهند که نوجوان با خود به مدرسه می‌آورد. بنا به نقل قول لارسن و ریچاردز^{۱۱} از اکسلز و میگلی^{۱۲} ممکن است این انتظار وجود داشته باشد که بی‌حوصلگی در خلال سال‌های اولیه‌ی دبیرستان و نوجوانی افزایش یابد، به ویژه زمانی که رابطه‌ی بین دانش‌آموزان و معلمان خصمانه گردد (۹).

از آن جایی که نوجوانی با تحول ارزش‌های واگرا^{۱۳} (متنوع) و متضاد، بستگی زیادی دارد می‌توان پیش‌بینی کرد که بی‌حوصلگی در دوره‌ی نوجوانی بیشتر از پیش‌نوجوانی باشد (۹). اما بنا به نقل قول لارسن و ریچاردز از ساندبرگ و بیسنو^{۱۴} بالا بودن بی‌حوصلگی در این سنین ممکن است نه فقط به خاطر مدرسه بلکه بیشتر به خاطر مشخصه‌های کلی دوره‌ی نوجوانی باشد (۹).

بر اساس مطالعات انجام شده شرایط مختلفی می‌تواند به بروز بی‌حوصلگی منجر شود. بعضی از عوامل ایجادکننده‌ی بی‌حوصلگی که در مطالعات مختلف تایید شده‌اند عبارتند از عوامل تحصیلی (شامل تکالیف زیاد، محیط تحصیلی نامناسب و رابطه‌ی خصمانه معلمان و دانش‌آموزان) و عوامل روانی

¹Boredom

²Constancy

³Tedium

⁴Meaninglessness

⁵Emptiness

⁶Wearisomeness

⁷Boredom Proneness

⁸Todman

⁹Attentional Constrain

¹⁰Resistance

¹¹Larson and Richards

¹²Eccels and Midgley

¹³Divergent

¹⁴Sandberg and Bisno

(۱۲،۹،۱). در این بین، بی‌معنایی و بی‌هدفی در زندگی مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی روانی بی‌حوصلگی به شمار می‌رود (۱۴،۱۳،۴).

با توجه به عوارض و پیامدهای مخرب بی‌حوصلگی در نوجوانان و لزوم شروع مطالعات نظام‌مند ایرانی در این گستره، این مطالعه با هدف شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی بی‌حوصلگی در نوجوانان انجام شده است.

روش کار

این مطالعه‌ی همبستگی در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت. به همین منظور تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۸۸ به روش تصادفی خوشه‌ای از ۴ دبیرستان و ۱ مرکز پیش‌دانشگاهی (۳ مرکز دخترانه و ۲ مرکز پسرانه) و ۴ مدرسه‌ی راهنمایی (۲ مدرسه‌ی دخترانه و ۲ مدرسه‌ی پسرانه) انتخاب شدند. سپس از هر مدرسه یک کلاس به روش تصادفی ساده انتخاب و تمامی دانش‌آموزان آن کلاس به عنوان گروه نمونه مورد ارزیابی قرار گرفتند. با توجه به عدم همکاری در تکمیل پرسش‌نامه‌ها از سوی برخی از دانش‌آموزان، تعداد حجم نمونه به ۱۸۲ نفر (۹۶ دختر و ۸۶ پسر) کاهش یافت.

ابزار پژوهش:

مقیاس ارزیابی بی‌حوصلگی (BAS)^۱ یک مقیاس ۵۸ سئوالی است که در یک پژوهش مستقل و گسترده و بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ی متمرکز با نوجوانان ۱- بررسی مبانی نظری بی‌حوصلگی ۳- تعدادی از مقیاس‌های معتبر بی‌حوصلگی ساخته شده است که به طور مختصر به شرح هر کدام پرداخته می‌شود (۱۵).

۱- مصاحبه‌ی ساخت یافته با یک نمونه‌ی ۵۰ نفری از نوجوانان پسر و دختر به منظور بررسی مفهوم بی‌حوصلگی از دیدگاه جامعه‌ی هدف و استخراج عوامل و مولفه‌هایی که می‌تواند منعکس‌کننده‌ی وجوه وابسته به فرهنگ بی‌حوصلگی باشد و هم‌چنین برای تعیین پیش‌بینی‌کننده‌ها و عوامل تبیین‌کننده‌ی بی‌حوصلگی انجام شد. مصاحبه به صورت فردی انجام می‌شد و بر حسب میزان توان پاسخگویی دانش‌آموزان بین ۳۰-۴۰

دقیقه طول می‌کشید. در ابتدا هدف از انجام مصاحبه توضیح داده می‌شد، هم‌چنین اختیاری بودن شرکت در مصاحبه به دانش‌آموزان یادآوری و به این ترتیب رضایت آنان برای شرکت در مصاحبه جلب می‌گردید. با اطلاع و رضایت دانش‌آموزان تمام مصاحبه‌ها به‌طور کامل ضبط شد. برخی از نمونه سئوالاتی که در مصاحبه پرسیده می‌شد عبارت بودند از: بی‌حوصلگی چیست؟ چه نوع تجربه‌ای هست؟ تاکنون بی‌حوصله شده‌ای؟ وقتی بی‌حوصله می‌شوی چه احساسی به تو دست می‌دهد؟ بی‌حوصلگی چه اثراتی بر تو دارد؟ وقتی بی‌حوصله می‌شوی چه افکاری از ذهنت می‌گذرد؟ وقتی بی‌حوصله می‌شوی چه کار می‌کنی؟

۲- در مطالعات مختلف مولفه‌های متعددی برای بی‌حوصلگی مطرح شده‌است که این مولفه‌ها در حیطه‌ی شناختی، عاطفی رفتاری و جسمانی دسته‌بندی شدند. مولفه‌ی شناختی شامل مشکل در حفظ توجه، بی‌توجهی، عدم تمرکز، احساس یکنواختی ذهنی و سبک شناختی متحجر (خشک) و ... است. مولفه‌ی هیجان‌های (عواطف) منفی شامل مواردی هم‌چون ملال، فقدان علاقه، محزون بودن، افسردگی و تحریک‌پذیری و ... است. مولفه‌های رفتاری شامل خمیازه کشیدن، کارهای تکراری، بی‌قراری، خواب‌آلودگی و تاخیر و تعلل و ... است و مولفه‌ی جسمانی شامل خستگی و کوفتگی است.

۳- بررسی و تحلیل ابزار موجود برای سنجش بی‌حوصلگی از جنبه‌های مبانی نظری مفهوم‌سازی بی‌حوصلگی که ابزار مورد نظر بر اساس آن ساخته شده است. این بررسی شامل تعداد و نوع عامل‌ها یا زیرمقیاس‌های اندازه‌گیری و گویه‌ها، عبارت‌ها یا سئوال‌های تشکیل دهنده‌ی ابزارها بود. برای این منظور، ابزارهای زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند:

مقیاس آمادگی برای بی‌حوصلگی (BPS)^۲ (۲)

مقیاس آمادگی برای بی‌حوصلگی در کودکان (BPS-C)^۳ (۸)

مقیاس آمادگی (حساسیت) بی‌حوصلگی (BSS)^۴ (۱۶) مقیاس

بی‌حوصلگی فراغت (LBS)^۱ (۱۷)

²Boredom Proneness Scale

³Boredom Proneness Scale- Child Version

⁴Boredom Susceptibility Scale

¹Boredom Assessment Scale

بخش نخست مولفه‌های بی‌حوصلگی را بر اساس سه حیطه‌ی خانه (مانند تنها ماندن در خانه، سختگیری والدین و ...)، مدرسه (مانند کلاس‌های خشک و جدی، تکالیف زیاد درسی و ...) و اجتماع (بی‌کاری، برنامه‌های تلویزیون و ...) ارزیابی می‌کند. بخش چهارم نیز بی‌حوصلگی ناشی از چهار درس ریاضی، عربی، پرورشی و ادبیات را اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌ها بر اساس یک مقیاس ۱۵ امتیازی (۱ کمترین میزان تاثیر ۱۵ بیانگر بیشترین میزان تاثیر) نمره‌گذاری می‌شود.

برای ساخت این پرسش‌نامه ابتدا با ۵۰ نفر از دانش‌آموزان (۲۵ دختر و ۲۵ پسر) مصاحبه‌ی ساخت‌یافته انجام گرفت. در این مصاحبه نوجوانان به سئوالاتی مانند در چه شرایطی بی‌حوصله می‌شوید؟ در خانه چه چیزهایی شما را بی‌حوصله می‌کند؟ در مدرسه چه عواملی باعث بی‌حوصلگی شما می‌شود؟ در محیط اجتماعی چه مواردی شما را بی‌حوصله می‌کند؟ پاسخ دادند. هم‌چنین ادبیات تحقیق در خصوص عوامل تبیین‌کننده و پیش‌بینی‌کننده بی‌حوصلگی مورد بررسی و عوامل مختلفی که با بروز بی‌حوصلگی مرتبط هستند، استخراج شدند. پس از تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها و تطبیق آن‌ها با یافته‌های پژوهشی و مبانی نظری بی‌حوصلگی به منظور تعیین روایی محتوا، برای هر کدام از حیطه‌ها ۱۰ مولفه در نظر گرفته شد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مقیاس برای چهار بخش خانه، مدرسه، اجتماع و درس به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۴، ۰/۶۹ و ۰/۶۶ به دست آمد.

پس از مشخص شدن گروه نمونه و آماده شدن پرسش‌نامه‌ها، چهار دانشجوی ترم هفت کارشناسی روان‌شناسی (دو دختر و دو پسر) که آموزش لازم را دیده بودند جهت اجرای پرسش‌نامه‌ها به مدارس مراجعه کردند. قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها در خصوص اهداف طرح توضیحاتی به دانش‌آموزان داده شد. پرسش‌نامه‌ها در دو بخش ارایه شد. ابتدا مقیاس ارزیابی بی‌حوصلگی در اختیار آنان قرار گرفت و پس از تکمیل و جمع‌آوری به منظور جلوگیری از خستگی دانش‌آموزان از آنها پذیرایی به عمل آمد. سپس مقیاس سنجش عوامل بی‌حوصلگی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات آنها استخراج و جهت تحلیل آماری وارد کامپیوتر

سپس با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه، منابع نظری و تجربی موجود شامل نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده و آزمون‌های سنجش بی‌حوصلگی، مواد و گویه‌های آزمون به گونه‌ای تهیه شد که هم مبتنی بر مبانی نظری و تجربی باشد و هم با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی کشور منطبق باشد. با ترکیب مولفه‌های استخراج شده از ادبیات تحقیق و نتایج حاصل از مصاحبه، نسخه‌ی اولیه‌ی پرسش‌نامه با ۸۵ سئوال تهیه شد.

سئوال‌ها در مقیاس چهار امتیازی لیکرت (از کاملاً مخالف با نمره‌ی ۱ تا کاملاً موافق با نمره‌ی ۴) نمره‌گذاری می‌شود. سئوال‌ها پس از چندین بار تصحیح و بازنویسی و اجراهای مقدماتی به منظور رواسازی و اعتباریابی در یک گروه ۴۵۰ نفری از دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی خرم‌آباد اجرا شد که پس از بررسی ضریب اعتبار و اجرای تحلیل عاملی، پرسش‌نامه‌ی اصلی با ۵۸ گویه تهیه شد. ضرایب اعتبار مقیاس از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ و از طریق بازآزمایی (با فاصله‌ی یک ماهه) برابر با ۰/۸۶ بود. روایی مقیاس از طریق ضرایب همبستگی این مقیاس با مقیاس‌های آمادگی برای بی‌حوصلگی (BPS)، مقیاس آمادگی برای بی‌حوصلگی در کودکان (BPS-C)، مقیاس آمادگی (حساسیت) بی‌حوصلگی (BSS) و مقیاس بی‌حوصلگی فراغت (LBS) به ترتیب برابر با ۰/۷۰، ۰/۱۴، ۰/۳۴ و ۰/۶۰ بود و در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار به دست آمد که روایی همگرای آن را تایید نمود.

نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی نشان دادند که مقیاس ارزیابی بی‌حوصلگی از هفت عامل بی‌انگیزگی و بی‌هدفی (۹ سئوال)، کسل بودن (۵ سئوال)، افکار منفی (۶ سئوال)، احساس رخوت و بی‌حالی (۹ سئوال)، دشواری در حفظ توجه (۱۵ سئوال)، خشم (۶ سئوال) و کاهش لذت (۸ سئوال) تشکیل شده است. دامنه‌ی ضرایب اعتبار عامل‌ها بین ۰/۵۶۳ الی ۰/۸۵۸ بود.

مقیاس سنجش عوامل بی‌حوصلگی: به منظور اندازه‌گیری عواملی که بتواند بی‌حوصلگی در نوجوانان را تبیین و پیش‌بینی کند نیز یک مقیاس ۴۰ گویه‌ای در چهار بخش تهیه شد. سه

¹Leisure Boredom Scale

شدند. پرسش‌نامه‌هایی که کامل نبودند یا به شکل غیرمعمولی تکمیل شده بودند (مثلاً فقط یک گزینه علامت زده شده بود یا به شکل یکنواختی پاسخ داده شده بود) از مطالعه حذف شدند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند.

به منظور رعایت اخلاق در پژوهش پرسش‌نامه‌ها به صورت بی‌نام در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. هم‌چنین قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها، محرمانه بودن اطلاعات آنان مورد تأکید قرار گرفت.

نتایج

میانگین سنی کل گروه ۱۵ سال و میانگین سن دختران ۱۵/۵۰ سال و میانگین سن پسران ۱۴/۹۸ سال بود. جدول (۱) برخی ویژگی‌های گروه نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱- فراوانی گروه نمونه بر حسب مقطع و رشته تحصیلی

متغیر	فراوانی	درصد
مقطع تحصیلی		
اول راهنمایی	۱۵	۸/۲
دوم راهنمایی	۲۲	۱۲/۱
سوم راهنمایی	۳۵	۱۹/۲
اول دبیرستان	۲۴	۱۳/۲
دوم دبیرستان	۲۴	۱۳/۲
سوم دبیرستان	۴۱	۲۲/۵
پیش‌دانشگاهی	۲۱	۱۱/۵
رشته تحصیلی		
عمومی	۲۴	۲۲/۲۲
ریاضی	۴۵	۴۱/۶۷
تجربی	۳۲	۳۴/۵۶
انسانی	۷	۷/۵۶

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بی‌حوصلگی در عامل خانه

گویه‌ها	دختران	پسران
	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد
تنها ماندن در خانه	۶/۳۸	۵/۷۴
سختگیری و گیر دادن پدر و مادر	۱۰/۳۳	۵/۶۳
روابط با خواهر و برادر	۴/۰۶	۴/۴۵
مشاجره یا جر و بحث پدر و مادر	۱۰/۳۹	۵/۴۴
نداشتن کاری برای انجام دادن	۸/۲۶	۵/۵۶
روزهای تعطیل	۵/۲۶	۵/۵۹
نصیحت کردن پدر و مادر	۷/۶۳	۵/۹۸
نداشتن وسیله‌ای برای سرگرمی	۹/۱۵	۵/۷۴
انتظارات و توقعات زیاد والدین	۷/۹۸	۵/۹۱
وظایف زیاد داشتن	۸/۱۲	۵/۷۰

همبستگی بین سه حیطه‌ی مقیاس عوامل ایجادکننده بی‌حوصلگی (خانه، مدرسه و اجتماع) با نمره‌ی کل مقیاس ارزیابی بی‌حوصلگی در جدول (۶) نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که ضرایب همبستگی بین بی‌حوصلگی با عامل خانه (۰/۳۷، $P < ۰/۰۱$) و مدرسه (۰/۳۹، $P < ۰/۰۰۱$) نسبتاً قابل ملاحظه و بیشتر از مقدار این ضریب برای عامل اجتماع (۰/۱۲) است. بیشترین ضریب همبستگی در جدول (۷) متعلق به متغیرهای خانه و مدرسه (در دختران) و کمترین مقدار متعلق به دو متغیر اجتماع و خانه (در پسران) بود.

جدول (۷) ضرایب همبستگی بین عوامل را با بی‌حوصلگی به تفکیک جنس نشان می‌دهد. چنان که در این جدول ملاحظه می‌شود در گروه دختران، بالاترین ضریب مربوط به همبستگی بین بی‌حوصلگی با عامل خانه (۰/۵۰) و در گروه پسران متعلق به همبستگی بی‌حوصلگی با عامل مدرسه (۰/۲۸) است.

میانگین و انحراف استاندارد گویه‌های هر عامل محاسبه و برای عامل خانه، مدرسه و اجتماع به ترتیب در جدول‌های (۲) تا (۵) نشان داده شده است. در عامل خانه در دختران مشاجره و جر و بحث والدین ($M=۱۰/۳۹$)، سختگیری والدین ($M=۱۰/۳۳$) و در گروه پسران نداشتن کاری برای انجام دادن ($M=۹/۳۱$) از میانگین بالایی برخوردار بودند (جدول ۲).

میانگین گویه‌های عامل مدرسه در جدول (۳) و میانگین گویه‌های عامل اجتماع در جدول (۴) ملاحظه می‌شود. در دختران رفتارهای نامناسب دیگران ($M=۱۱/۲۷$)، نصیحت کردن

جدول ۳- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ی بی‌حوصلگی در عامل مدرسه

گویه‌ها	دختران		پسران	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
رفتار سختگیرانه و خشک معلمان	۱۰/۳۲	۵/۶۷	۱۱/۰۳	۴/۸۹
تکالیف زیاد درسی	۹/۸۵	۵/۵۸	۱۰/۰۲	۵/۱۶
نحوه‌ی تدریس معلمان	۷/۶۶	۵/۷۹	۷/۵۳	۵/۲۰
تکالیف ساده و پیش پا افتاده	۵/۷۳	۵/۳۴	۵/۶۰	۴/۷۲
درس دادن زیاد معلم	۹/۴۶	۵/۴۳	۹/۵۸	۵/۱۱
کلاس خشک و جدی	۱۱/۲۲	۵/۲۳	۹/۱۷	۵/۶۰
رفتار همکلاسی‌ها	۶/۱۱	۵/۲۸	۶/۲۸	۴/۷۳
عدم تنوع در محیط مدرسه	۹/۷۶	۵/۶۳	۷/۴۹	۵/۲۰
صحبت‌های معلم	۵/۴۰	۵/۰۳	۵/۳۱	۴/۲۹
رفتار معلمان پرورشی	۷/۰۶	۶/۱۷	۵/۳۴	۵/۱۳

جدول ۴- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ی بی‌حوصلگی در عامل اجتماع

گویه‌ها	کل		دختران		پسران	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
رفتن به مکان‌های تکراری	۸/۹۰	۵/۵۰	۹/۲۰	۵/۶۳	۸/۵۶	۵/۳۶
نگرش مردم نسبت به من	۶/۵۵	۵/۰۹	۶/۰۸	۵/۱۶	۷/۰۸	۵/۰۰
نصیحت کردن (گیر دادن) دیگران	۹/۴۴	۵/۵۰	۱۰/۰۷	۵/۶۶	۸/۷۳	۵/۲۶
رفتارهای نامناسب دیگران	۱۰/۵۳	۵/۰۸	۱۱/۲۷	۵	۹/۷۰	۵/۰۸
دیدن صحنه‌ی دعوا و پر خاشگیری	۸/۳۹	۵/۹۱	۸/۹۵	۵/۹۵	۷/۷۷	۵/۸۴
ترافیک (بوق زدن)	۱۰/۰۳	۵/۳۸	۹/۵۵	۵/۶۵	۱۰/۵۶	۵/۰۵
بی‌کاری	۱۰/۲۵	۵/۳۱	۱۰/۲۴	۵/۳۷	۱۰/۲۶	۵/۲۸
کار زیاد داشتن	۸/۲۰	۵/۳۳	۸/۸	۵/۵۸	۷/۵۳	۴/۹۸
پر خورد با افراد تکراری	۷/۴۴	۵/۳۵	۷/۲۱	۵/۳۵	۷/۷۰	۵/۳۷
برنامه‌های تلویزیون	۶/۱۸	۵/۴۷	۵/۷۱	۵/۴۴	۶/۷۱	۵/۴۸

جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد دروس مرتبط با بی‌حوصلگی

دروس	دختران		پسران	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ریاضی	۵/۰۰	۵/۳۴	۷/۹۴	۵/۹۰
عربی	۸/۴۰	۵/۷۵	۶/۰۶	۴/۷۷
پرورشی	۶/۸۹	۶/۵۶	۴/۷۱	۴/۹۶
ادبیات	۵/۳۰	۵/۳۶	۵/۸۰	۵/۰۷

جدول ۶- میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی عوامل ایجاد کننده‌ی بی‌حوصلگی در نوجوانان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بی‌حوصلگی	خانه	مدرسه	اجتماع
بی‌حوصلگی	۱۳۰/۰۹۸	۳۲/۲۵۶	-			
خانه	۷۶/۳۹۵	۲۶/۶۲۳	۰/۳۷°	-		
مدرسه	۸۰/۱۱۵	۲۹/۳۷۶	۰/۳۹°	۰/۶۰°	-	
اجتماع	۸۵/۹۰۱	۲۷/۵۰۸	۰/۱۲	۰/۵۱°	۰/۳۹°	-

جدول ۷- ماتریس همبستگی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی

بی‌حوصلگی بر حسب جنسیت

متغیر	بی‌حوصلگی	خانه	مدرسه	اجتماع	Z	P
بی‌حوصلگی	-	۰/۵۰ ^{oo}	۰/۴۳ ^{oo}	۰/۲۲ ^o		
خانه	۰/۰۶	-	۰/۷۱ ^{oo}	۰/۶۳ ^{oo}	۳/۹۵	۰/۰۱
مدرسه	۰/۲۸ ^{oo}	۰/۲۹ ^{oo}	-	۰/۵۲ ^{oo}	۱/۰۴	۰/۱۴۹
اجتماع	-۰/۰۷	۰/۲۷ ^o	۰/۱۴ ^o	-	۱/۰۴	۰/۱۴۹

x ضرایب بالای قطر مربوط به دختران و پایین قطر مربوط به پسران است

به منظور مقایسه‌ی ضرایب همبستگی به دست آمده برای دو گروه دختران و پسران از آزمون دقیق فیشر استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین بی‌حوصلگی با عامل خانه در دختران ($r=۰/۵$) به طور معنی‌داری بالاتر از پسران

($r=۰/۰۶$) بود ($P<۰/۰۵$ و $Z=۳/۹۵$)، اما در سایر عوامل تفاوت معنی‌داری بین دو جنس وجود نداشت. ضرایب همبستگی بین درجه‌بندی بی‌حوصلگی ناشی از دروس با نمره‌ی کل بی‌حوصلگی در جدول (۸) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در گروه دختران بی‌حوصلگی بیشترین میزان همبستگی را با درس ادبیات ($P<۰/۰۰۱$) و در گروه پسران بیشترین همبستگی را با درس ریاضی ($P<۰/۰۵$) دارد. نتایج آزمون تبدیل Z فیشر به منظور مقایسه‌ی ضرایب همبستگی بین ارزیابی گروه نمونه از دروس با بی‌حوصلگی در دو گروه دختران و پسران نشان داد که همبستگی درس ادبیات با بی‌حوصلگی در دختران به طور معنی‌داری بالاتر از پسران ($P<۰/۰۵$) است، اما بین سایر ضرایب همبستگی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس به دست نیامد.

جدول ۸- ماتریس همبستگی دروس پیش‌بینی‌کننده‌ی بی‌حوصلگی بر حسب جنسیت

متغیر	بی‌حوصلگی	ریاضی	عربی	پرورشی	ادبیات	Z	P
بی‌حوصلگی	-	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۳۱ ^{oo}	۰/۲۷ ^{oo}	۰/۴۳ ^{oo}		
ریاضی	۰/۲۴ ^o	-	۰/۲۳ ^o	۰/۲۹ ^{oo}	۰/۱۰	۰/۵۵۵	۰/۲۹۱
عربی	۰/۱۲	۰/۳۹ ^{oo}	-	۰/۴۵ ^{oo}	۰/۳۴ ^{oo}	۱/۳۱۹	۰/۰۹
پرورشی	۰/۱۱	-۰/۰۷	۰/۲۶ ^o	-	۰/۴۶ ^{oo}	۱/۱۱	۰/۱۳۳
ادبیات	۰/۰۹	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۲۸ ^o	۰/۲۸ ^o	-	۲/۳۶۱	۰/۰۰۹

x ضرایب بالای قطر مربوط به دختران و پایین قطر مربوط به پسران است

به منظور تبیین واریانس بی‌حوصلگی و تعیین این مطلب که کدام عوامل از توان بیشتری برای تبیین و پیش‌بینی بی‌حوصلگی برخوردارند از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد (جدول ۹). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که دو عامل مدرسه و خانه به طور معنی‌داری می‌توانند بی‌حوصلگی نوجوانان را تبیین کنند؛ اما دو عامل اجتماعی و دروس سهم معنی‌داری نداشتند (جدول ۹). تحلیل رگرسیون برای دو جنس نشان داد که در دختران عامل خانه، درس ریاضی و ادبیات و در پسران عامل مدرسه با بی‌حوصلگی ارتباط معنی‌داری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

چنان که بیان شد صاحب‌نظران عوامل و پیش‌بینی‌کننده‌ی متفاوتی را برای ایجاد و بروز بی‌حوصلگی معرفی کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را متاثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی دانست.

جدول ۹- نتایج حاصل از اجرای رگرسیون بر روی عامل‌های

پیش‌بینی‌کننده‌ی بی‌حوصلگی

متغیر	دختر		پسر	
	b	خطای استاندارد	b	خطای استاندارد
خانه	۰/۴۲	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۱۶
مدرسه	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۳۳	۰/۱۳
اجتماع	-۰/۱۷	۰/۱۳	-۰/۱۸	۰/۱۳
ریاضی	۱/۴۳	۰/۶۴	۰/۹۴	۰/۵۷
عربی	۰/۲۰	۰/۶۴	-۰/۲۴	۰/۷۰
پرورشی	-۰/۹۰	۰/۶۰	۰/۳۹	۰/۶۴
ادبیات	۱/۹۴	۰/۶۷	۰/۰۳	۰/۶۴

R²=۰/۲۰ در گروه دختران، R²=۰/۲۰ در گروه پسران P<۰/۰۵^{oo} P<۰/۰۵^o

نیست مستقل بودن را تجربه کند. به همین شکل نیز قادر نیست خود را از این موقعیت‌ها رها سازد (۲۷).

از نتایج حایز اهمیت این مطالعه، تفاوت پیش‌بینی‌کننده‌ها در نوجوانان دختر و پسر بود. چنان‌چه در بخش نتایج مشاهده شد در دختران عوامل خانه و در پسران عوامل مدرسه با بروز بی‌حوصلگی مرتبط بودند. تحلیل جداگانه عامل‌ها نشان داد که در عامل خانه برای دختران، سختگیری والدین و مشاجره و جر و بحث آنها با هم، دارای میانگین بالا و در پسران نداشتن کاری برای انجام دادن از میانگین بالایی برخوردار بودند. در مورد این یافته به ویژه در مورد دختران می‌توان گفت که این می‌تواند یک مسئله‌ی فرهنگی باشد.

بر طبق نظریه‌های کنترل اجتماعی و مقاومت، بی‌حوصلگی ممکن است از معیارهای ارتباطی که در فرهنگ رایج نوجوانان وجود دارد ناشی شود (۲۸). در قیاس با کشورهای غربی، نوجوانان دختر در ایران به خاطر شرایط شرعی و فرهنگی اجتماعی نسبت به پسران آزادی عمل کمتری دارند و اجتماع سختگیری‌های بیشتری برای آنان قایل می‌شود، بنا بر این طبیعی است که میزان بی‌حوصلگی آنان در خانه به مراتب بیشتر از محیط بیرون و مدرسه باشد.

هرچند که عامل اجتماعی در معادله‌ی رگرسیون تأثیری بر بی‌حوصلگی نداشت اما بررسی میانگین‌های آن نشان داد که در مجموع، رفتارهای نامناسب دیگران، ترافیک و بی‌کاری از میانگین بالاتری برخوردار هستند که در این میان بی‌کاری و نداشتن کاری برای انجام دادن به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی بی‌حوصلگی در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است (۲۴، ۲۳، ۱۴).

هم‌چنین در مورد دختران نصیحت کردن و گیر دادن دیگران از میانگین بالایی برخوردار بود که این مسئله با همان نظریه‌ی کنترل اجتماعی که ذکر آن رفت، قابل توجیه است. بدون تردید هر پژوهش دارای محدودیت‌های مختلف اجرایی، علمی و مانند آن است.

مطالعه‌ی حاضر نیز از این گونه محدودیت‌ها در امان نبوده است. از جمله می‌توان به زیاد بودن تعداد سئوالات پرسش‌نامه‌ها اشاره کرد که گاهی باعث خستگی و عدم جواب

برای نمونه، تحصیل (به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های بی‌حوصلگی) در کشور ایران به لحاظ روش و شرایط با بسیاری از کشورها متفاوت است (۱۹، ۱۸).

از این رو، انتظار می‌رود میزان تأثیر آن بر بی‌حوصلگی نیز متفاوت باشد. بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های بی‌حوصلگی نشان داد که عوامل مدرسه‌ای و عوامل خانه در پیش‌بینی بی‌حوصلگی موثر هستند. در ادبیات مرتبط با بی‌حوصلگی به تأثیر محیط‌های ساکن و یکنواخت بر بی‌حوصلگی تأکید شده است (۲۱، ۲۰). هم‌چنین در مطالعات دیگر نیز به نقش شرایط مدرسه در بروز بی‌حوصلگی تأکید شده است (۲۲، ۹). در بین عوامل مدرسه‌ای مرتبط با بی‌حوصلگی رفتار سختگیرانه و خشک معلمان و تکالیف زیاد درسی و کلاس‌های خشک، دارای میانگین بالاتری بودند. مطالعات قبلی نیز به تأثیر تکالیف درسی، رفتار معلمان و فضای خشک کلاس بر بی‌حوصلگی اشاره کرده‌اند (۱۲، ۹، ۱). هم‌چنین به نقش عواملی نظیر عدم تنوع در مدرسه و رابطه‌ی خصمانه‌ی معلم و دانش‌آموزان در بروز بی‌حوصلگی اشاره شده است (۹).

یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم بی‌حوصلگی در این پژوهش عوامل خانه بود. شاخص‌های مرتبط در این عامل شامل سختگیری و گیر دادن والدین، مشاجره یا جر و بحث والدین، نداشتن کاری برای انجام دادن و نداشتن وسیله‌ای برای سرگرمی بود. در ادبیات مرتبط با بی‌حوصلگی یکی از مولفه‌های اصلی ایجادکننده‌ی بی‌حوصلگی نداشتن کاری برای انجام دادن است (۲۳-۲۵، ۱۴). در ارتباط با سختگیری والدین نیز می‌توان گفت که این یافته بنا به نقل اوکلیز کوزارین^۱ با نظریه‌ی کنترل قدرت^۲ هاگن^۳ و همکاران مطابقت دارد (۲۶).

بر اساس این نظریه رفتارهای نامناسب نوجوانان با رویب خانوادگی مرتبط می‌شود و بر اساس جایگاه والدین در به‌کارگیری اجبار (سختگیری) متفاوت می‌شود. طبق دیدگاه کنترل اجتماعی، بی‌حوصلگی واکنشی به کنترل بیرونی از قبیل تأثیرات والدین و دیگر بزرگسالان است (۲۷). این نوع بی‌حوصلگی در موقعیت‌هایی رخ می‌دهد که نوجوان قادر

^۱Okulicz-Kozaryn

^۲Power Control Theory

^۳Hagan

تحصیلی (۳۱،۱)، اعتیاد (۳۲،۳) و نقش کلیدی آن در اختلالات روان‌شناختی (۳۳-۳۵،۲)، لازم است ضمن شناخت عوامل موثر بر آن برنامه‌هایی به منظور پیشگیری از بی‌حوصلگی در نوجوانان اجرا شود. در این بین با توجه به بالا بودن بی‌حوصلگی در دختران لازم است برنامه‌هایی نظیر ایجاد مکان‌های تفریحی و ورزشی، فراهم آوردن امکان شرکت در اردوها و مسابقات انجام گردد.

درست دانش‌آموزان می‌شود؛ اگر چه تلاش شده بود با حذف پرسش‌نامه‌هایی که پاسخ‌های آن‌ها مخدوش بود (فقط یک گزینه را علامت زده بودند یا به شکل یکنواخت پاسخ داده بودند و یا خیلی از سئوالات را پاسخ نداده بودند) بر این محدودیت غلبه شود؛ اما این سوگیری در پاسخ‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. به طور کلی با توجه نقش بی‌حوصلگی در تعاملات اجتماعی (۲۹)، بزهکاری نوجوانان^۱ (۳۰)، پیشرفت

¹Juvenile Delinquency

References

1. Todman M, Lehr E. Boredom and boredom proneness in children: Implication for academic and social adjustment. Proceeding of the 2nd International Conference on Psychology; 2008 July 14-17; Athens, Greece; 2008: 1-14
2. Farmer RF, Sundberg ND. Boredom proneness- the development and correlates of a new scale. J Pers Assess 1986; 50: 4-17.
3. Johnson LD, O'Malley PM. Why do the nation's students use drugs and alcohol: Self report reasons from nine national surveys. J Drug Issues 1986; 16: 29-66.
4. Melton AM, Schulenberg SE. On the relationship between meaning in life and boredom proneness: Examining a logotherapy postulate. Psychol Rep 2007; 101(3 Pt 2): 1016-22.
5. Mikulas WL, Vodanovich SJ. The essence of boredom. Psychol Record 1993; 43: 3-12.
6. Watt DJ, Vodanovich SJ. Boredom proneness and psychological development. J Psychol 1999; 133(3): 303-14.
7. Sundberg ND, Laktin CA, Farmer R, Soud J. Boredom in young adult: Gender and culture comparisons. Proceeding of the 46th Annual International Council of Psychologist; 1998 Aug 21-25; 1988: 1-25.
8. Todman M. Boredom and psychotic disorders: Cognitive and motivational issues. Psychiatry 2003; 66(2): 146-67.
9. Larson RW, Richards MH. Boredom in the middle school years: Blaming schools versus blaming students. Am J Educ 1991; 99(4): 418-43.
10. Tolor A. Boredom as related to alienation, assertiveness, internal-external expectancy, and sleep patterns. J Clin Psychol 1989; 45: 260-5.
11. Farrell E. Giving voice to high school students: Pressure and boredom, you know what I'm saying? Am Educ Res J 1989; 4: 489-502.
12. Mann S, Robinson A. Boredom in the lecture theatre: an investigation into the contributors, moderators and outcomes of boredom amongst university students British. Educ Res J 2009; 35(2): 243-58.
13. Barbalet J. Boredom and social meaning. Br J Soc 2000; 50(4): 631-46.
14. Shelley A, Fahlman Kimberley B, Mercer PG, Eastwood AE, Eastwood JD. Does a lack of life meaning cause boredom? Results from psychometric, longitudinal, and experimental analysis. J Soc Clin Psychol 2009; 28(3): 307-40.

15. Farhadi A, Pouretamad HD, Asgari A, Khoahabi K. [Components and predictors of boredom in adolescents]. Ph.D. Dissertation. Tehran: University of Shahid Beheshti, College of psychology and education, 2009: 91-110. (Persian)
16. Zuckerman M, Kuhlman DM, Joireman J, Teta P, Kraft M. A comparison of three structural models for personality: The big three, the big five, and the alternative five. *J Pers Soc Psychol* 1993; 65: 757-68.
- 17- Wegner L, Flisher AJ, Muller M, Lombard C. Reliability of the Leisure boredom scale for use with high school students in Cape Town. *Journal of Leisure research* 2002; 34: 340-50.
18. Madandaar A, Abbasee P. [A second look at comparative education and its missions]. *Quarterly journal of education* 2007; 23 (2): 101-26. (Persian)
19. Shabaani Z. [A comparison of teacher training programs in Iran and few other countries]. *Quarterly journal of education* 2004; 20(3): 101-26. (Persian)
20. Smith RP. Boredom: A review. *Hum Fac Soc* 1981; 23: 392-40.
21. Thackray RI. The stress of boredom and monotony: A consideration of the evidence. *Psychosom Med* 1981; 43(2): 165-76.
22. Tamar Horowitz T, Tobaly D. School vandalism: Individual and social context. *Adolescence* 2003; 38: 131-9.
23. Jervis LL, Spicer P, Spero M, Manson SP. Boredom, "trouble," and the realities of postcolonial reservation life. *Ethos* 2003; 31(1): 38-58.
24. Watt JD. Fighting more than fires: Boredom proneness, workload stress and underemployment among urban firefighters. Ph.D. Dissertation. Manhattan, Kansas: Kansas State University, Department of psychology, College of arts and sciences, 2002: 5-10.
25. Sharp EH, Caldwell LL, Graham JW, Ty A, Ridenour TYA. Individual motivation and parental influence on adolescents' experiences of interest in free time: A longitudinal examination. *J Youth Adolesc* 2006; 35(3): 359-72.
26. Okulicz-Kozaryn K. Gender differences in adolescents problem behaviors from the power-control theory perspective. *Proceeding of the 2nd International Conference on Psychology*; 2008 July 14-17; Athens, Greece; 2008: 1-13.
27. Caldwell LL, Darling N, Payne LL, Dowdy B. Why are you bored? An examination of psychological and social control causes of boredom among adolescents. *Journal of Leisure Research* 1999; 31(2): 103-21.
28. Shaw SM, Caldwell LL, Kleiber DA. Boredom, stress and social control in the daily activities of adolescents. *Journal of Leisure research* 1996; 28(4): 274-92.
29. Leary MR, Rogers PA, Canfield RW, Coe C. Boredom in interpersonal encounters: Antecedents and social implications. *J Pers Soc Psychol* 1986; 51: 968-75.
30. Newberry AL, Duncan RD. Roles of boredom and life goals in juvenile delinquency. *J Appl Soc Psychol* 2001; 31(3): 527-41.
31. Marlodo GK. Shyness, boredom, and grade point average among college students. *Psychol Rep* 1986; 59: 395-8.
32. Pettiford J, Kozink RV, Lutz AM, Kollins SH, Rose JE, McClernon FJ. Increases in impulsivity following smoking abstinence are related to baseline nicotine intake and boredom susceptibility. *Addict Behav* 2007; 32(10): 2351-7.
33. Vodanovich SJ, Verner KM, Gilbride TV. Boredom proneness: its relationship to positive and negative affect. *Psychol Rep* 1991; 69(3Pt 2): 1139-46.
34. Vodanovich SJ. Psychometric measures of boredom: A review of the literature. *J Psychol* 2003; 137(6): 569-95.
35. Binnema D. Interrelations of psychiatric patient experiences of boredom and mental health. *Issues Ment Health Nurs* 2004; 25(8): 833-42.